

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)

بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

آموزش کارآفرینی و نقش آن در توسعه پایدار روستایی

نویسندگان:

صادق اصغری لقمجانی، استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

Asghari2750@yahoo.com

زهرا محبی، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

Zmohebbi25@yahoo.com

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین): ارزش آفرین و ثروت آفرین

چکیده:

پدیده بیکاری یکی از معضلات مهم اجتماعی و اقتصادی محسوب می شود که موجب بروز ناهنجاری های فراوان در زمینه های گوناگون می گردد. جامعه روستایی ما نیز با مسأله افزایش تعداد بیکاران مواجه می باشد و اگر با این پدیده از ابتدا و بصورت ریشه ای مقابله نگردد بحران های بزرگ و غیرقابل جبرانی ایجاد خواهد شد. از آنجا که برای ایجاد کسب و کارهای جدید، به مهارت و دانش منحصر به فردی نیاز است و سرمایه ی انسانی مهم ترین نقش را ایفا می کند بنابراین بر مبنای معیارهای رایج، تحصیل، آموزش و تجربه کاری مهم هستند. یکی از کارکردهای اصلی آموزش، تربیت افراد خلاق و کارآفرین می باشد و با توجه به اینکه امروزه بشر در عرصه های مختلف با چالشهای عظیمی مواجه بوده که محوریت مشترک تمامی آنان توسعه دانش، فناوری، نوآوری و کارآفرینی است، بنابراین «کارآفرینی» که در واقع فرآیند تاسیس یک شغل بر مبنای یک فکر و یک ایده ی نو است، راهبردیست برای حل مسأله ی اشتغال و ایجاد و خلق عرصه های نوین در جهت رشد و پویایی و تولید ثروت در جامعه، که با توجه به اهمیت کلیدی آن در اقتصاد، کشورهای گوناگون مجدانه برنامه های مفصلی را برای بسط چنین فرهنگی در جامعه ی خود تدارک دیده اند. هدف این مقاله بررسی آموزش کارآفرینی و نقش آن در توسعه پایدار روستایی و ارائه راه حل هایی برای دستیابی به این اهداف است.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، آموزش، توسعه پایدار، روستا.

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بستر سازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین): ارزش آفرین و ثروت آفرین

مقدمه

با توجه به اینکه امروزه توسعه پایدار به عنوان رهیافت غالب توسعه مطرح است، پرداختن به این موضوع از اهمیت بالایی در مطالعات توسعه برخوردار است. از طرف دیگر به نظر میرسد که روستاها به عنوان دومین سکونتگاه های جمعیتی کشور در مطالعات کمتر مورد توجه قرار می گیرند و به همین دلیل توسعه آنها با چالش های بیشتری مواجه است. پرداختن به موضوع مهم ارزیابی و سطح بندی توسعه پایدار روستایی ما را قادر خواهد ساخت تا با داشتن شناختی کافی از سرزمین مطالعه شده به برنامه ریزی و مدیریت آن پرداخته شود. بدون چنین شناختی برنامه ریزی و مدیریت در جهت پارادایم فعلی توسعه، با دشواری روبه رو است (رکن الدین افتخاری و آقایی هیر، ۱۳۸۶). واژه توسعه پایدار در مفهوم گسترده آن شامل اداره و بهره برداری صحیح و کارا از منابع پایه، منابع طبیعی، منابع مالی و نیروی انسانی به منظور نیل به الگوی مصرف مطلوب همراه با بکارگیری امکانات مورد نیاز و ساختار تشکیلاتی متناسب برای رفع نیاز نسل های امروز و آینده به طور مستمر، همه جانبه و رضایت بخش است. توسعه پایدار توسعه ای مبتنی بر تمامی ابعاد بوده و کلیه جوانب فنی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی را به طور یکجا مورد توجه قرار می دهد. در چارچوب تئوری توسعه پایدار، اجتماعات روستایی و انسان روستایی با زمین زیر پایش به گونه ای توأمان و یکپارچه مورد نظر قرار می گیرد زیرا پایداری فضای روستایی ناظر بر ایجاد توازن میان انسان، محیط و فعالیت های اوست، به تعبیر دیگر توسعه پایدار روستایی نقطه توازن و تعادل در جهت تحقق اهداف توسعه روستایی در هر یک از ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی است (بدری و طاهرخانی، ۱۳۸۷)، با توجه به چند بعدی بودن اهداف توسعه پایدار روستایی اعم از کاهش فقر و رفع سوء تغذیه، تأمین حداقل خدمات عمومی، توسعه فرصت های شغلی، بهبود بهره وری و افزایش درآمد، افزایش تولیدات کشاورزی و مواد غذایی، انتقال منافع عمومی به مناطق روستایی، عدم تبعیض مکانی، حفظ توازن محیط طبیعی و زیستی، توسعه مشارکت و تقویت اعتماد به نفس (فیروزنیا، افتخاری، ۱۳۸۲)، مشخص است که توسعه پایدار روستایی تنها مبتنی بر سیاست های محیطی نیست و بدون حل مسائل اجتماعی و اقتصادی، توسعه پایدار برای مناطق روستایی محقق نخواهد شد. همچنین این امر نیازمند دیدی کل نگرانه در سیاست های توسعه محیطی، اجتماعی و اقتصادی و یکپارچگی در این سه بعد است (Inskeep, 1991: 85-87). مناطق روستایی بخش عمده ای از جمعیت و عرصه های طبیعی کشور را به خود اختصاص داده است و جامعه روستایی نقش اساسی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور دارد. با توجه به اهمیت و جایگاه جامعه روستایی در کشور و مشکلات و چالش هایی که این جامعه در فرایند توسعه خود با آن مواجه است، شناخت و

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

تحلیل ویژگی‌های برنامه ریزی توسعه روستایی در کشور و پرداختن به کلیه ابعاد آن ضرورت دارد (مرکز مطالعات و خدمات تخصصی شهری و روستایی، ۱۳۸۵). تعامل و ارتباط میان فرهنگ و کارآفرینی، از دو جهت قابل بحث و بررسی است. از یک جهت، نتایج کارآفرینی است که بر جامعه تاثیر می‌گذارد و از جهت دیگر، خود فرایند کارآفرینی و فرهنگ حاکم بر آن است که هم متأثر از مبانی فرهنگی جامعه است و هم می‌تواند در آن تحولات اساسی ایجاد کند. کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های شغلی و تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی، پیش زمینه‌ای اساسی برای ارتقای سطح فرهنگی جامعه است، زیرا با برآورده شدن نیازهای اولیه معیشتی، زمینه برای بروز نیازهای عالی‌تر انسانی فراهم می‌شود که اگر در مسیری صحیح هدایت شود، به شکوفایی و تعالی انسان‌ها می‌انجامد (پورداریانی، ۱۳۸۳). عصر جدید، عرصه رقابت بر سر منابع و سرمایه هاست، کشورهای بزرگ صنعتی که فاتحان این عرصه اند بهره‌وری از منابع و سرمایه‌ها را در سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و در پرتو وجود افراد تحصیلکرده و متخصص، چرخ‌های رشد و توسعه را به حرکت در آورده‌اند و به ابداعات و نوآوری‌هایی دست یافته‌اند. دسترسی به این نوآوری‌ها که اقتصاد کشورهای توسعه یافته را از نو زنده کرده است منوط به کارآفرینی است. به طور کلی یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی، کارآفرینی است، زیرا کارآفرینی می‌تواند با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها داشته باشد. به همین دلیل سنجش میزان کارآفرینی روستاییان و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرایند توسعه روستایی از طریق فراهم کردن زمینه‌های اولیه آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کارآفرینی به معنای به‌کارگیری مفاهیم و فنون مدیریتی، ابزارها و فرایندها برای طراحی، استانداردسازی محصول و بنا نهادن کار بر پایه آموزش و سپس تحلیل آن است (آپتون و دیگران، ۱۹۹۷: ۵). کارآفرینی را فرایند شکار فرصت‌ها به وسیله افراد به طور انفرادی (کارآفرین مستقل) یا در سازمان‌ها (کارآفرین سازمانی) بدون در نظر گرفتن منابع موجود در اختیار آن‌ها می‌دانند (رضائیان، ۱۳۸۰)، هر چند کارآفرینی می‌تواند آثار مثبت متعددی در جوامع روستایی داشته باشد، ولی خود نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی وابسته و متأثر از زمینه‌ها، عوامل و مهارت‌های مختلفی است. در واقع ظهور کارآفرینی در یک جامعه وابسته به زمینه‌ها و عواملی است که در شکل‌گیری آن تأثیر ویژه دارند یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از جمله کشور ما، کاهش بیکاری و توسعه فعالیتهای شغلی است. امروزه مبحث اشتغال صرفاً یک بحث اقتصادی یا مربوط به یک کشور خاص نیست، بلکه تقریباً تمامی جوامع به نوعی با معضل بیکاری دست به‌گریبان هستند و ابعاد این معضل، تمامی بخشها از جمله امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی و امنیتی را نیز متأثر ساخته

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین) : آموزش آفرین و ثروت آفرین

است (رضوانی، ۱۳۸۳)، اقتصاددانان و صاحب نظران معتقدند کارآفرینان محور توسعه اقتصادی بوده و با تخریب روش کهنه و ناکارآمد قبلی و جایگزینی آنها با شیوه های کارآمد و نوین، به نظام اقتصادی، پویایی و حیات می بخشند. همچنین بدلیل اینکه مشخصه اصلی کارآفرینی را نوآوری می دانند لذا معتقدند کارآفرین با ارائه محصولات خدمات جدید می تواند جامعه را به سمت پیشرفت و توسعه سوق دهد (Kuratko et. al, 2004). نوآوری که از ویژگی های اساسی کارآفرینی است، منجر به تولید محصولات جدیدتر و ارائه خدمات بیشتر و متنوع تر شده و به این ترتیب قدرت انتخاب افراد افزایش یافته و زندگی راحت تر می شود. با بالا رفتن سطح رفاه و آسایش و افزایش اوقات فراغت، فرصت های بیشتری برای فعالیت های فرهنگی ایجاد می گردد. برای تحقق این امر، باید مجموعه ای از استعداد های کارآفرینانه بومی را توسعه داد و کسب و کارهای جدیدی را مدیریت کرد. برای واقعی ساختن این امر، ساختارهای حمایتی مؤثر برای استفاده از ابتکارات بومی و تقویت کسب و کارهای جدید که برای ایجاد اشتغال دائمی الزامی می باشند، مورد نیاز هستند. یکی از ساختارهای حمایتی آموزشی می باشد، کشورهای توسعه یافته این موضوع را پذیرفته اند و کشورهای در حال توسعه نیز در این جهت در حال قدم گذاشتن هستند (پورداریانی، ۱۳۸۲). آموزش از منابع حیاتی توسعه است که به منظور توانمندسازی هر انسانی باید در دسترس او باشد. در دوران ما آموزش به عنوان موثرترین ابزار جوامع برای ورود به چالش های آینده مورد توافق قرار گرفته است و اصولا پذیرفته شده است که در پرتو آموزش امروز، دنیای فردا شکل خواهد گرفت. در مناظره توسعه پایدار دقیقا با توجه به نگرش فوق، این مولفه شأن و جایگاه ویژه ای یافته است و در تحلیل ها و پژوهش های سال های اخیر، بسیاری از برنامه ها و استراتژی های توسعه به خصوص برای قرن بیست و یکم به گونه ای ریشه ای به توفیق در امر آموزش پیوند خورده است. پیشرفت روزافزون به تولیدات ذهن های تعلیم یافته در عرصه های پژوهش، نوآوری و نظایر آنها بستگی خواهد داشت. بنابراین آموزش نه فقط در پژوهشکده ها و آزمایشگاه ها که در تمامی عرصه های زندگی حضوری فعال دارد و منطقا عاملی است که مردم را در جوامع مختلف هشیارتر، با سوادتر، آماده تر و مسئول تر، نقادتر و اخلاقی تر می کند و از این رو حامل برترین آرمان های بشری است و در نتیجه حیاتی ترین ابزار در مسیر نیل به توسعه پایدار تلقی می شود (رفیعی و لطفی، ۱۳۸۹). آموزش به توسعه پایدار یا پایداری کمک می کند تا مردم وابستگی موجودات زمین به هم، اثرات فعالیتها و تصمیم گیریهای مربوط به بهره گیری از منابع و سرانجام عوامل مسبب یا بازدارنده توسعه پایدار را بشناسند. این شاخه با ارتقاء سطح آگاهی ها، ارزشها و گرایشهای مردم سروکار دارد و از این رو به آنها امکان می دهد که به گونه ای موثر در توسعه پایدار تشریک مساعی نمایند (پالمر، ۱۳۸۲). آنچه امروزه در مورد

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

توسعه‌ی مناطق روستایی مطرح است توسعه پایدار روستایی است. توسعه‌ای که بتواند نیازهای کنونی بشر را تامین کند، بدون آنکه توان‌های محیطی و زیستی نسل‌های آینده را در تامین نیازهایشان به مخاطره اندازد (بری، ۱۳۸۰). هر چند مفهوم توسعه پایدار روستایی در راستای سازماندهی توسعه در نواحی روستایی از لحاظ محتوا و کارکرد همواره دستخوش تغییر بوده است، اما مفهومی با سابقه به شمار می‌رود (UNDP, 1992). برای رسیدن به توسعه پایدار یعنی توسعه‌ای موزون و با حفظ ارزش‌های جامعه باید به تحول فرهنگ جوامع اندیشید. تا افراد تشکیل دهنده جوامع، منش خود را با پایداری و پویایی تطبیق دهند (محرم نژاد و حیدری، ۱۳۸۵). آموزش تعلیمات منظمی است که جهت ایجاد آمادگی برای اجرای امور زندگی، از جمله زندگی در شهر و روستا آموخته می‌شود. میان سطح آموزش اشخاص در جامعه و قابلیت آن جامعه برای پیشرفت در عرصه‌های گوناگون از جمله سیاسی و اقتصادی نوعی همبستگی وجود دارد (دانشنامه جامع مدیریت شهری و روستایی، ۱۳۸۷) همچنین آموزش عبارت است از رشد و پرورش دادن ظرفیت‌های افراد و گروه‌ها برای مشارکت و تصمیم‌گیری و عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی. این آموزش‌ها شامل حقوق انسانی، رشد مستمر و همه جانبه، اخلاق و ارزش‌ها، صلح و مسالمت جویی، برابری اجتماعی و حرمت نهادن به تفاوتها است (لطف آبادی، ۱۳۸۵). تعلیم و تربیت مهمترین عامل موثر در دگرگونی طرز نگرش و رفتار بشری است که در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارتها، تامین فرصتهای شغلی و افزایش تولید جامعه است (نصیری، ۱۳۸۴). امروزه در جوامع دانش بنیان، دامنه تأثیر کارآفرینی بسیار وسیع بوده، به نحوی که از تغییر در ارزشهای اجتماعی، تا رشد شتابان اقتصادی را شامل می‌شود و مواردی همچون اشتغالزایی، توسعه فناوری، شناخت و گسترش بازارهای جدید، ساماندهی و بهره‌گیری اثر بخش از منابع، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری و افزایش ثروت در جامعه را در برمی‌گیرد (شفیعی و نعمتی، ۱۳۸۹). عاقبت‌اندیشی و برنامه‌ریزی مناسب، رکن اساسی پیشرفت و کمال‌یابی است. در اتخاذ خط‌مشی‌های کارآفرینی لازم است از بلندپروازی اجتناب شود، زیرا اتخاذ استراتژی بلندپروازانه، وقتی که با توانایی‌های فرد و امکانات موجود در جامعه توازن و هماهنگی نداشته باشد، نتیجه‌ای جز شکست و به هدر دادن منابع جامعه دربر نخواهد داشت. از این رو، در اتخاذ شیوه در برنامه‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی لازم است با توجه به امکانات موجود، شیوه و استراتژی رشد طوری طراحی شود که در دراز مدت، اقتصاد به رشد و توسعه برسد و اتخاذ روش سنجیده و حساب شده با توجه به امکانات به مراتب نتیجه‌ای بهتر از انتخاب روش‌های شتابان و عجولانه دارد. هدف از انجام این مقاله بررسی نقش آموزش در توسعه کارآفرینی جهت دستیابی به توسعه پایدار روستایی می‌باشد. جهت انجام این مقاله از مطالعات

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. نتایج به دست آمده بر این حقیقت دلالت دارد که آموزش کارآفرینی با کارکردها و پیامدهای مثبتی که دارد، به عنوان راه‌حلی اساسی برای رفع بسیاری از مشکلات و بحران‌هایی بیکاری از طرف بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد توجه قرار گرفته است، از سوی دیگر پدیده کارآفرینی فرآیندی است که موجب پیشرفت اقتصاد ایران در عرصه‌های مختلف می‌گردد.

مبانی نظری تحقیق

اگر توسعه پایدار را رویکردی بدانیم که بر اساس برنامه‌ای تدوین می‌شود تا به اهداف مورد نظرش دست یابد، در این روند دو عامل اصلی ایفای نقش می‌کنند: یکی انسان است که می‌خواهد برنامه را اجرا کند و دیگری علمی که باید، بر اساس آن عمل شود. بنابر این، برای وصول به توسعه پایدار، اولین شرط، وجود انسان‌های پایداری است که بر اساس علم پایدار برنامه ریزی و عمل کنند. در حوزه روشمند توسعه پایدار روستایی، به دلیل هم پوشانی ابعاد متفاوت حیات طبیعی و انسانی، اقتصادی، برای شناخت بهتر عناصر، رفتار و عملکرد اجزای سیستم و نیز چگونگی تعامل آن با محیط پیرامونی، اتخاذ روش تحلیل سیستمی و همه جانبه بر مبنای راهبردهای توسعه روستایی گریزناپذیر است. افزون بر این، برای پی ریزی اصول توسعه پایدار روستایی، مبنا قرار دادن دیدگاه توسعه مردم گرا به مثابه قلب تپنده و پایه دیدگاه توسعه مشارکتی در قالب فرایند برنامه ریزی توسعه روستایی برای دستیابی به جامعه روستایی با توانمندی بالا ضروری است. در کنفرانسی که تحت عنوان «کارآفرینی روستایی در قرن ۲۱» در آمریکا برگزار شد، دیوید سامپسون بر اهمیت نقشی که شرکتهای کارآفرینانه کوچک در اقتصاد آمریکا دارند، از جمله اینکه این شرکتهای بیش از دو سوم مشاغل جدید را ایجاد کرده‌اند، تأکید نموده و دلیل دو سوم از نوآوری‌های بیست سال اخیر را شرکت‌های کارآفرینانه کوچک دانستند. سامپسون از شرکت‌های کارآفرینانه کوچک به عنوان «موتورهای نوآوری» یاد می‌کند که ایده‌ها و تکنولوژی جدید را به محصولات و خدمات واقعی برای فروش به مشتریان در بازارهای حقیقی تبدیل، و شغل‌های واقعی را ایجاد می‌کنند. او به این نکته تأکید می‌کند که نیاز نیست نوآوریها حتما تکنولوژی بالایی داشته باشند، بلکه باید بر کیفیت بالا، بهره‌وری (کارایی) و قیمت، تمرکز نماید (Drabenstott et.al, 2003, p74). به باور بسیاری، امروزه کارآفرینی و روش آموزش آن بحث روز است و همه جا و همه کس درباره آن صحبت می‌کنند. سیاستمداران، متخصصین و خود دانشجویان این رشته که بر اساس صحبت آنها، این پدیده‌ای است که می‌تواند راه حلی تازه برای مشکلات اجتماعی و

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

اقتصادی ارائه دهد، مشکلاتی که به طرز شدیدی نیازمند بازنگری و بررسی دوباره است (Matlay, 2006: 120).
وسپیر (۱۹۸۲) معتقد است که کارآفرینانی که احتمال شکست شان بیشتر است، کسانی هستند که تجربه دارند، اما تحصیلات ندارند. توماس بگلی و دیوید بوید (۱۹۸۷)، با انجام تحقیقاتی در زمینه تمایز کارآفرینان و افرادی که واحدهای کوچک را اداره می کنند، به چند ویژگی از کارآفرینان دست یافته اند که عبارتند از: نیاز به توفیق موفقیت کانون کنترل، تحمل مخاطره، تحمل ابهام و تمایل به انجام کار بیشتر در زمان کمتر. ریسال (۱۹۹۲)، در پژوهشی که در کشور اندونزی انجام داد، مشاهده کرد که از جمله صفات مؤثر در انتخاب مشاغل کارآفرینان، خلاقیت و نوآوری است. در تحقیقی توسط هاتن و رولند (۱۹۹۴) مشخص شد که شرکت در دوره های آموزش شغلی کوتاه مدت در خصوص نگرش های کارآفرینانه تغییراتی ایجاد نموده است. این تغییرات در خرده مقیاس مرکز کنترل درونی بیشتر قابل رؤیت بود. راشید (۲۰۰۰) مطالعه ای در زمینه نقش آموزش بر افزایش نگرش ها و خصوصیات کارآفرینانه انجام داد. او برای این منظور از دانش آموزان دبیرستانی استفاده کرده و آنها را در دو گروه ۱۴۷ نفری جای داد. گروه آزمایش، مورد آموزش های خاص کارآفرینی قرار گرفته و گروه کنترل در حالت انتظار باقی ماندند. نتایج حاکی از آن بود که افراد گروه آزمایش به نحو قابل ملاحظه ای نمرات بالاتری در انگیزه پشرفت، مرکز کنترل درونی، عزت نفس و خلاقیت به دست آوردند. هیسریچ و براش (Hisrich & Brush, 1998)، در تحقیقی با هدف مطالعه شبکه اجتماعی زنان کارآفرین به این نتیجه رسیدند که وابستگی به شبکه های اجتماعی و سرمایه انسانی در عملکرد واحد کسب و کار زنان تأثیر بسزایی دارند. تانگ و یو (Tang & Yeo, 1995) در مطالعه ای در کشور سنگاپور به این نتیجه رسیدند که رویه ها و سیاستهای دولت، شرایط اجتماعی - اقتصادی، حمایت های مالی از ایجاد کسب و کار بر ترویج کارآفرینی مؤثرند. دباغ (۱۳۸۵) با توجه به یافته های تحقیق سیموز (۱۹۹۸)، در مطالعه ای نتیجه گرفت که حمایت های مالی از ایجاد کسب و کار بر ترویج کارآفرینی در کشور پرتغال مؤثر است. تیجی و ویکری (Tyebjee & Vickery, 1998) در تحقیقی توسعه کارآفرینی را متأثر از رویه ها و سیاست دولت و شرایط اجتماعی - اقتصادی دانستند. ذیحی و مقدسی (۱۳۸۵) کارآفرین را مقوله بسیار مهمی می دانند که بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به آن توجه جدی مبذول داشته اند. در این جوامع کارآفرینی تبدیل به ابزار نیرومندی شده است که بهره گیری از آن می تواند باعث رفع مشکلاتی همچون بیکاری، کمبود نیروی انسانی خلاق و پویا، نزول چشم گیر بهره وری، کاهش کیفیت محصولات و خدمات و رکود اقتصادی شود. از دیدگاه مک کله لند (۱۹۶۳) و بروکهاوس (۱۹۸۰) مهم ترین ویژگی هایی که می توان به کارآفرینان نسبت داد عبارتند از: توفیق

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین) : آموزش آفرین و ثروت آفرین

طلبی به معنای تمایل به انجام کار در سطح استاندارد های عالی و قصد و جهت موفقیت در موقعیت رقابتی است. پیتر دراگر (۱۹۸۵) معتقد است کارآفرین، کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خودش شروع کرده است. وی به تغییر و تحول ماهیت ارزشها توسط کارآفرین، مخاطره پذیری و تغییرگرایی کارآفرینان اذعان دارد. دراگر تصریح می کند که کارآفرین مخاطره پذیر است، نه سرمایه گذار (نقش بیشتر مخاطره آبرویی و مادی در فرایند کارآفرینی) وی اعتقاد دارد که کارآفرینی یک رفتار است، نه یک صفت خاص در شخصیت افراد (پورداریانی، ۱۳۸۳). ریشه واژه «کارآفرینی Entrepreneurship» از زبان فرانسوی گرفته شده است که از معنای معمول آن نمی توان به مفهوم واقعی این واژه دست یافت. در فارسی هنوز معادل دقیقی برای انتقال مفهوم کارآفرینی وجود ندارد و اغلب، واژه کارآفرینی در برداشت عمومی مفهومی مانند «کارفرما» یا «صاحب کار» را به ذهن متبادر می سازد. در ادبیات کارآفرینی تعاریف بسیار مختلفی برای آن ارائه شده است. بعضی از تعاریف آن عبارت است از: توسعه موقعیت ها و اقدامات نوآورانه همراه با خطر، چه در سازمانی که قبلا تاسیس شده و چه به صورت آزاد یا مستقل، پروسه هدایت به ایجاد سازمان جدید بدون توجه به نوع و پتانسیل سازمان، پروسه خلق ثروت، پروسه تخریب خلاق، پروسه ای فراتر از شغل و حرفه بلکه یک شیوه زندگی یا پروسه خلق چیزی ارزشمند از هیچ (صمدآقایی، ۱۳۸۰). امروزه در جوامع دانش بنیان دامنه تأثیر کارآفرینی بسیار وسیع بوده، به نحوی که از تغییر در ارزشهای اجتماعی، تا رشد شتابان اقتصادی را شامل می شود و مواردی همچون اشتغالزایی، توسعه فناوری، شناخت و گسترش بازارهای جدید، ساماندهی و بهره گیری اثر بخش از منابع، ترغیب و تشویق سرمایه گذاری و افزایش ثروت در جامعه را در برمی گیرد (شفیعی و نعمتی، ۱۳۸۹). کارآفرینی دربرگیرنده فعالیت های خلاقانه ی سازمانی است که توسط افرادی که مستقل از سازمان موجود عمل می کنند شکل می گیرد. واژه کارآفرین به افرادی اطلاق می شود که درگیر فعالیتهای مستقل یا کارآفرینی سازمانی می گردند (2006, 120, Chrisman, در مقوله کارآفرینی وجود، خلاقیت و نوآوری لازم و ملزوم یکدیگرند به حدی که کارآفرینی بدون خلاقیت و نوآوری حاصلی ندارد (Drucker, ۱۹۹۸). کشورهای در حال توسعه به منظور تسهیل و تسریع حرکت خویش در فرایند توسعه ملی و دستیابی به جهشی عظیم در این مسیر خطیر و متلاطم و همچنین کاهش فاصله شان با کشورهای توسعه یافته، در کوتاهترین زمان و به مؤثرترین شکل ممکن، ناگزیر از توجه و تأکید بر توسعه مبتنی بر دانش هستند (شفیعی و نعمتی، ۱۳۸۹). کارآفرینی را علم دانستن مسایل و هنر به کارگیری آن مطرح کرده اند. کارآفرینی در حقیقت فرایندی است که طی آن کارآفرین با طرح ایده های ناب و خلاق و شناسایی فرصتهای تازه و از طریق بسیج منابع

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بستر سازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

و امکانات موجود، مبادرت به ایجاد کسب و کارهای تازه و مؤسسات نوآور و رشد یابنده می نماید و با پذیرش مخاطره و ریسک قابل قبول، به معرفی محصول یا خدمت جدیدی به جامعه می پردازد. کارآفرینی موجب دگرگونی ارزشها، اشتغالزایی، سرمایه گذاری، گذر از رکود اقتصادی، افزایش رقابت و بهبود کیفیت کالاها و خدمات، گسترش رفاه اجتماعی و تسهیل روند رشد و توسعه و طرح ایده ها، افکار و راهکارهای نو برای حل مشکلات جامعه می شود (Santarelli, 2007). در فرآیند تغییرات سریعی که به واسطه تکنولوژی های ارتباطی در بستر اقتصاد دانش محور ایجاد شده است، تفکر سنتی قدرت بازو، جای خود را به قدرت فکر و دانش داده است. مدیریت فکری انسان ها بیش از هر زمان دیگری از ارزش برخوردار شده است، به گونه ای که در برخی نظریه های دانشمندان، به این دوره، عصر کارآفرینی اطلاق شده است (شاه حسینی، ۱۳۸۳). در حال حاضر توسعه روستاها در مقایسه با گذشته، پیوند گسترده تری با مفهوم کارآفرینی یافته است. موسسات و اشخاص صاحب نظر در توسعه روستایی، ایجاد کارآفرینی را به عنوان شیوه های مداخله جویانه در توسعه می دانند که قادر است روند توسعه روستاها را تسریع کند. در این شیوه، به ضرورت ارتقای کارآفرینی در روستاها نیز توجه می شود؛ به گونه ای که آژانس های توسعه، کارآفرینی روستایی را همانند پتانسیلی برای ایجاد فرصت های وسیع شغلی تلقی می نمایند، سیاستمداران آن را به عنوان راه حل کلیدی جلوگیری از آشفته گی روستایی شناخته، کشاورزان آن را به عنوان ابزاری برای بهبود درآمدهای کشاورزی در نظر می گیرند و زنان آن را به عنوان امکان کار در مجاورت منزلشان تلقی می کنند که این شیوه، عدم وابستگی و کاهش نیاز شدید آنان را به حمایت های جامعه موجب می شود. البته برای تمامی این گروه ها، ایجاد کارآفرینی و اشتغال، وسیله ای برای بهبود کیفیت زندگی افراد، خانواده ها و اجتماعات مورد نظر می باشد که نتیجه تعامل آن ایجاد محیط و اقتصاد سالم می باشد (پاسبان، ۱۳۸۳). کارآفرینی روستایی در اصل هیچ تفاوتی با مفهوم عام کارآفرینی ندارد. فقط شرایط خاص مناطق روستایی از جمله بالاتر بودن ریسک، کمبود امکانات و ضعف مدیریت در این نواحی باعث می شود که زمینه های کارآفرینی در این نواحی متفاوت با سایر نواحی و فعالیت ها باشد. به هر حال کارآفرین روستایی به دنبال شناسایی فرصت های جدید، نوآوری و خلاقیت در فعالیت های کشاورزی و غیر کشاورزی، کاربری اراضی و استفاده ی بهینه، متنوع و نوآورانه در فضای روستایی است. به طور کلی یکی از عوامل مؤثر در توسعه ی روستایی، کارآفرینی است، زیرا کارآفرینی می تواند با خلق فرصت های جدید اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها داشته باشد. به همین دلیل سنجش میزان کارآفرینی روستاییان و تلاش برای توسعه و تقویت کارآفرینی در فرآیند توسعه ی روستایی

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین) : آموزش آفرین و ثروت آفرین

از طریق فراهم کردن زمینه های اولیه ی آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷). تحقیقات نشان می دهد که کارآفرینی امری آموزش پذیر، تقویت پذیر و پرورش پذیر است. اولین کشورهایی که در زمینه آموزش کارآفرینی فعالیت هایی را انجام دادند، کشورهای آلمان، انگلیس، امریکا و ژاپن بودند (فیض، ۱۳۸۶). امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاهی تبدیل شده است. طی دهه ۱۹۸۰، دانشگاه ها بر حسب ویژگی گروه های تحت آموزش و نیازهای محلی، منطقه ای و ملی، برنامه های آموزشی متعددی را برای سازمانهای خصوصی و عمومی طراحی نموده اند. دولت های اروپایی نیز حمایت های ویژه ای را از فعالیت هایی که جهت تشویق کارآفرینی بین جوانان می شود، ایجاد کرده اند (احمدپورداریانی، ۱۳۸۷). در ایالات متحده امریکا نیز آموزش کارآفرینی در درون دوره های دانشگاهی و توسط موسسات خاص مورد توجه بسیاری قرار گرفته است. کانادا و برخی کشورهای آسیایی همچون فیلیپین، هند و مالزی نیز گامهای اساسی جهت حمایت از فعالیت های کارآفرینی برداشته اند. این حمایت ها شامل ارائه راهنمایی های عملی، مشاوره، ارائه تسهیلات مالی، و برگزاری دوره های ویژه در خصوص کارآفرینی در درون دانشگاه ها و یا خارج از دانشگاه ها می باشد (گیب، ۱۹۹۹). به طور کلی همراه با آشکار شدن نقش و تاثیر کارآفرینی بر روند اشتغالزایی و رشد اقتصادی کشور های توسعه یافته، تلاش در جهت آموزش و تعمیم دانش و روحیه کارآفرینی در بین مدیران، تجار، دانشجویان، (که جملگی کارآفرینان بالقوه محسوب می شوند) و کارآفرینان بالفعل شدت گرفت. تحقیقات بسیاری تایید می کند که فرآیند و برنامه های آموزشی خاصی می تواند با تغییر بینش و فرهنگ افراد و تجهیز آنها به دانش و مهارت های خاص، راهی را که آنها احتمالاً با سعی و خطا و گذشت زمان طولانی به آن می رسند بسیار کوتاه نموده و به سرعت یک کارآفرین بالقوه را به یک کارآفرین بالفعل تبدیل کند.

ضرورت آموزش کارآفرینی

در گذشته شایع بود که کارآفرینان دارای ویژگی های ذاتی هستند که همراه با آنها متولد می شود. این ویژگی ها شامل ابتکار، روحیه تهاجمی، تحرک، تمایل در بکارگیری ریسک، توان تحلیلی و مهارت در روابط انسانی است. بنابراین، فرض اساسی این بود که کارآفرینان از طریق آموزش، پرورش نمی یابند، درحالی که امروزه کارآفرینی به عنوان یک رشته علمی مورد شناسایی قرار گرفته و فروپاشی این تصور قدیمی را به دنبال داشته است. رشته علمی کارآفرینی، همانند تمام رشته های دیگر دارای مباحث، مدل ها، فرایندها و قضایایی (cases) است که نه تنها باید دانش

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین) : آموزش آفرین و ثروت آفرین

مربوط به آن ها کسب شود، بلکه باید مهارت ها و کارکردهای آن به صورت عملی آموزش داده شود (کردنایچ و همکاران، ۱۳۸۶). شرایط کنونی جهان و تحولات اخیر بشر در عرصه های مختلف، وی را مواجه با چالشهای عظیمی کرده که محوریت مشترک تمامی آنان توسعه دانش، فناوری، نوآوری و کارآفرینی است. بشر امروز، به منظور جهت دهی هدفمند اقدامات و برنامه های خویش در سطوح ملی و بین المللی در این راستا، متوصل به رویکردهای جدیدی در حوزه های اقتصاد و توسعه ملی گشته که بیش از پیش، دانش و فناوری را به عنوان محوریت تمامی امور در بخشهای کلان، میانی و خرد قرار می دهد. امروزه از این شکل توسعه به توسعه مبتنی بر دانش یاد می شود که مناسبترین و مطمئن ترین مسیر پیش روی توسعه کشور در سالهای آتی بوده و اصول و بنیادهای اساسی آن متکی بر اقتصاد جهانی دانش است. سرمایه ی انسانی نیز از دو بعد اصلی دانش و مهارت تشکیل شده است (Warts, 2005). دانش شامل، واقعیت ها و اصول مربوط به پدیده ها و موجودات است. در کسب و کار، دانش شامل دانش فنی و دانش کارآفرینی می شود. به توانایی استفاده از دانش در عمل و انجام درست کارها، مهارت گفته می شود. سرمایه ی انسانی تنها سرمایه ای است که با استفاده ی بیشتر، کاهش نیافته و به صورت فزاینده، گسترش می یابد (Hanks, 1998 & Chandler). همگام با رشد نمودهای عملی کارآفرینی و توسعه کسب و کارهای جدید به دست کارآفرینان و ظهور شرکت های کارآفرین، شاهد توسعه آموزش کارآفرینی به عنوان یکی از داغ ترین مباحث کسب و کار هستیم (کوراتکو و حاجتس، ۱۳۸۳)، اما این رشد سریع هرگز به معنای آن نبوده است که آموزش کارآفرینی فرآیندی سهل و آسان است یا با چالش های بسیار مواجه نیست. در واقع رشد یاد شده به ویژه در کشورهایی چون ایران که از یک سو با نارسایی های خاص کشورهای در حال توسعه در عرصه اقتصاد، آموزش و مدیریت رویارو هستند و از سوی دیگر دیرتر از سایر کشورها به آموزش کارآفرینی روی آورده اند، با دشواری ها و محدودیت های به مراتب افزون تر و پیچیده تری مواجه است. در حال حاضر سیر تحولات جهانی، کارآفرینان را در خط مقدم توسعه فناوری و توسعه اقتصادی قرار داده است (احمدپورداریانی و مقیمی ۱۳۸۵). با توجه به دلایلی که در زمینه اهمیت کارآفرینی وجود دارد ضروری است برنامه ریزان و کارگزاران دولتی با حمایت همه جانبه از فرایند کارآفرینی و برنامه ریزی جامع، زمینه رشد و ترویج فرهنگ کارآفرینی را فراهم کنند. امروزه شواهد موجود نشان می دهد که کارآفرینی می تواند در نتیجه برنامه های آموزشی، پرورش یابد (سالازار، ۱۳۸۳). تجربه موفقیت آمیز اغلب کشورهای پیشرفته و نیز برخی از کشورهای در حال توسعه در عبور از بحرانهای اقتصادی به واسطه توسعه کارآفرینی در آن کشورها، موجب گردیده تا سایر کشورها نیز برای کارآفرینی، کارآفرینان و شکل گیری کسب و کارهای نوآورانه

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بستر سازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین) : آموزش آفرین و ثروت آفرین

اهمیت خاصی قائل گردند. با عنایت به پدیده جهانی شدن اقتصاد، برخی عقیده دارند که « بازارهای جهانی فردا در اختیار شرکتهایی است که به ریسک پذیری کارآفرینانه بها می دهند و برای گسترش سرمایه های فکری خود در حد کلان سرمایه گذاری می کنند، در بالندگی فردی پرتلاشند و در تعیین استراتژیها، شرایط محیطی را مد نظر قرار می دهند » بر همین اساس، توسعه کارآفرینی از جنبه های گوناگون مدنظر قرار گرفته است. آموزش، یکی از جنبه های مهم در گسترش کارآفرینی است که مورد توجه ویژه ای واقع شده است. با توجه به مطالعات مختلف، ثابت شده است که ویژگی های کارآفرینان اغلب اکتسابی است، نه وراثتی. از این رو در حال حاضر آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و گسترده ترین فعالیت های دانشگاه ها تبدیل شده است. اگر دیروز ثروتمندترین افراد دنیا آنهایی بودند که منابع مالی بیشتری در اختیار داشتند، امروز ثروتمندترین مردمان دنیا، افراد دانش مدار، خلاق، نوآور و کارآفرین هستند. لذا توسعه اقتصادی دنیای امروز بر پایه نوآوری، خلاقیت و کارآفرینی و استفاده عملی و کاربردی از دانش استوار است. اگر بپذیریم که در قرن حاضر اقتصاد جهان و سرعت رشد اقتصادی بر پایه نوآوری و کارآفرینی استوار است باید بستر لازم را برای رشد کسانی که "ایده را به محصول" و "علم و دانش را به صنعت" تبدیل می نمایند فراهم سازیم. اینجاست که نقش کارآفرین و نیاز به کارآفرین در جامعه مشخص می شود لذا می توان گفت: کارآفرین ارتباط دهنده دانش و علوم با صنعت و بازار است همچنین کارآفرین، موتور محرکه توسعه اقتصادی است. بدون شک مهمترین آثار توسعه کارآفرینی، افزایش نوآوری، ارتقای سطح فناوری، افزایش تعداد ثبت اختراعات و ابداعات، تولید دانش فنی، ایجاد اشتغال و توسعه، تولید و توزیع درآمد در سطح جامعه است که در نتیجه می تواند افزایش ثروت ملی را در برداشته باشد. از اینرو توسعه کارآفرینی به عنوان یک استراتژی کلان در یک جامعه، مستلزم افزایش و یا بهبود ادراکات، گرایش ها و رفتار کارآفرینانه در کلیه سطوح فردی، تیمی، سازمانی، صنعت و ... است. طی سال های اخیر، بسیاری از کشورها، توسعه کارآفرینی و فعالیت های کارآفرینانه را در دستور کار خود قرار داده اند. در همین راستا نهادها و انجمن های بین المللی نیز تشکیل شده است. اما پاسخ به این سوال که چرا در برخی کشورها، ادراکات، گرایش ها و رفتارهای کارآفرینانه بیش از سایرین است، ریشه در عوامل مهم اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه از جمله ارزش ها و فرهنگ ملی، سیاست و برنامه های دولت، مقررات و فرایند ثبت شرکت ها، نظام بانکی، نظام پرداخت مالیات، نظام تعلیم و تربیت، نهادهای حقوقی و قانونی، نظام نوآوری، بازارهای مالی، انعطاف پذیری بازار کار و ... دارد.

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

هدف از آموزش کارآفرینی

کارآفرینی یکی از مباحثی است که در دنیا از سالهای گذشته به آن توجه شده و کشور ما جزو معدود کشورهایی است که دیر به این مساله روی آورده است. کارآفرینی، کانون و مرکز ثقل کار و تلاش و پیشرفت در عصر مدرنیته تلقی شده و به عنوان عامل کلیدی رشد و موتور محرک توسعه اقتصادی شناخته شده است. کارآفرینی را به این دلیل که جامعه را به سمت تغییرات تکنیکی و مبتکرانه سوق داده و باعث رشد اقتصادی می شود و همچنین چون کارآفرینی دانش جدید را به خدمات و محصولات جدید تبدیل می کند حایز اهمیت است. رشد ثروت در کشورها بستگی به کارآفرینی مردم آن کشور دارد زیرا مردم کارآفرین کسانی هستند که شم اقتصادی دارند و از موقعیت های اقتصادی بیشترین استفاده را می کنند، کسانی که نوآوری دارند و کالاها و خدمات جدیدی را ایجاد و ارائه می کنند و کسانی که وقت و سرمایه و تمام تلاش خود را صرف کار خود می نمایند. دولتها کاملاً آگاه هستند که تشویق این افراد و همکاری با آنها به نفع مملکت است و این کمک به شکل سیاست گذاری، ایجاد انگیزه، برنامه ریزی و پروژه هایی برای آموزش کارآفرینان، ایجاد موسسات کارآفرینی، در اختیار گذاشتن منابع مورد نیاز، تسهیل و روان سازی قوانین و ... در اختیار این افراد قرار می گیرد (سعیدی کیا، ۱۳۸۲). هدف از آموزش کارآفرینی تربیت افرادی است که بتوانند پس از تکمیل تحصیلات خود افرادی مؤسس باشند و کسب و کاری را ایجاد نمایند. در نظر گرفتن نقش فرهنگی و تجربی برای کارآفرینی، باعث می شود که به شکلی غیرمستقیم از این ایده حمایت شود که کارآفرینی تحت تأثیر اقدامات آموزشی است. وقتی آموزش با نتایج یک موضوع رفتاری پیوند بخورد، آنگاه می توان خطوطی موازی میان آموزش و کارآفرینی ترسیم کرد (پورداریانی، ۱۳۸۳). آموزش پایدار به مفهوم وسیع خود در دهه های آینده این توانمندی را خواهد داشت تا به مثابه ابزاری قابل اعتماد، پل مستحکمی بین کلاس درس و اجتماع و نیز بین کلاس درس و بازار بنا کند. توسعه پایدار مفهومی است فراگیر با بار معنایی بسیار گسترده و همین ویژگی آن باعث شده است که گروه های مختلف اجتماعی با اهداف کاملاً متفاوت آن را بکار برند (رفیعی و لطفی ۱۳۸۹). مثلاً «رایل» به نکته ای پذیرفته شده در مورد اهمیت آموزش در قبال نتایج و رفتارها اشاره می کند که به طور خاص دربرگیرنده نوآوری، خلاقیت، انعطاف پذیری، توانایی پاسخ دادن به موقعیت های مختلف، استقلال و ابراز وجود است (Ryle, 1963). «گاروان» و «اوسینید» اهداف برنامه های آموزشی کارآفرینی را در قالب موارد زیر بیان می کنند: ۱- شناسایی و آماده سازی کارآفرینان بالقوه برای شروع یا توسعه ی دانش و فناوری در کسب و کارهای مخاطره آمیز ۲- توانمندسازی مخاطبین برای تنظیم برنامه های کسب و کار ۳- تمرکز بر موضوعاتی که

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بستر سازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین) : آموزش آفرین و ثروت آفرین

برای اجرای پروژه های کارآفرینانه همچون تحقیق بازار و تحلیل رقبا، تأمین مالی کسب و کار و موضوعات مالیاتی و قانونی، حیاتی هستند ۴- بهبود و توسعه ی رفتارهای مستقلانه، ریسک پذیری و تقبل مسئولیت ها ۵- توانمندسازی مخاطبین به گونه ای که در پایان دوره ی آموزشی بتوانند اقدام به تأسیس کسب و کار مخاطره آمیز دانش محور با فناوری سطح بالا کنند (Garavan & O' Cinneide, 1994) به طور کلی در آموزش رشته ی کارآفرینی اهداف متعددی مورد نظر است که برخی از مهم ترین این اهداف عبارتند از:

کسب دانش مربوط به کارآفرینی.

کسب مهارت در استفاده از فنون تحلیل فرصت های اقتصادی و ترکیب برنامه های عملیاتی.

شناسایی و تحریک استعدادها و مهارت های کارآفرینانه.

القای مخاطره پذیری با استفاده از فنون تحلیل.

ایجاد همدلی و حمایت برای جنبه های منحصر به فرد کارآفرینی (Sexton & Kasarda, 1992)

تشویق و ترغیب کسب و کارهای جدید و سایر کسب و کارهای مخاطره آمیز کارآفرینان.

سوق دادن نگرشها به سمت تغییر (Garavan & O' Cinneide, 1994)

کارآفرینی روستایی

بدون تردید روستاها در عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده ای روبرو هستند، از این رو تضمین و تداوم حیات و بقا روستاها نیازمند یافتن راه حلها و روشهای جدید مقابله با مشکلات می باشند که به نوآوری، ابداع، خلق محصولات، فرآیندها و روشهای جدید بستگی زیادی دارد. برای نیل به این هدف، مدیران باید به نقشهایی روی آورند که متناسب با شرایط متحول محیطی باشد. اخیرا استراتژیهای توسعه روستایی تجدیدنظر شده توسط بسیاری از موسسات ملی و بین المللی مجددا بر کاهش فقر از طریق رشد اقتصادی تأکید می کنند. توسعه اقتصادی در مناطق روستایی نیازمند استراتژیهای است که بتواند توسعه کارآفرینی، موسسات اجرایی تاثیرگذار و تواناسازی سیاستهای محیطی را تشویق کنند. از آنجا که اقتصاد روستایی بطور قابل توجهی با فعالیتهای کشاورزی مرتبط است و تقریبا همه فعالیتهای اقتصادی در نواحی روستایی، بطور مستقیم یا غیر مستقیم با کشاورزی، جنگلداری و سایر منابع طبیعی در ارتباط است، بنابراین نیاز به افزایش ارتباطات بین بخشی، مابین کشاورزی و کسب و کارهای مرتبط با کشاورزی و همچنین فعالیتهای اقتصادی غیر کشاورزی وجود

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کارآفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

دارد(آخوندی و هاشمی، ۱۳۹۱). کارآفرینی روستایی در پی یافتن ترکیبی مناسب از منابع برای فعالیت های اقتصادی اعم از کشاورزی و غیرکشاورزی برای دست یابی به بیشترین سود ممکن است. کارآفرینی روستایی اساساً تفاوتی با کارآفرینی در شهر ندارد جز این که باید آن را در فضای روستا تصور کرد. کارآفرینی می تواند تجارت و کسب و کار را در مشاغل کشاورزی و غیر کشاورزی گسترش دهد. بنابراین کارآفرین روستایی فردی است که برای ماندن در مناطق روستایی و کمک به تأمین بهداشت و سلامت محلی آماده ی فعالیت است (پترین، ۱۳۸۱). پترین کارآفرینی روستایی را مجموع سه گزاره زیر تعریف می کند ۱- نیرویی که سایر منابع را برای پاسخ گویی به تقاضاهای بی پاسخ در بازار بسیج می کند ۲- توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ ۳- فرایند خلق ارزش به وسیله امتزاج مجموعه ی واحدی از منابع در راستای بهره گیری از یک فرصت. آن چه در مجموع می توان برای تعریف مقوله ی کارآفرینی روستایی به کار برد عبارت است از: به کارگیری نوآورانه ی منابع و امکانات روستا برای خلق فرصت های کسب و کار(پترین، ۱۳۸۱). با توجه به مفهوم کارآفرینی روستایی، کارآفرینان روستایی دارای ویژگی های خاصی هستند که مهم ترین آن ها عبارت است از: ۱- آنان توانایی هماهنگی میان مردم، شیوه ها و فنون مختلف برای بهبود تغییرات محیط را داشته و در محافظت از محیط طبیعی کوشا هستند ۲- افرادی خلاق و ریسک پذیر هستند ۳- با تغییرات رشد می کنند و با اتفاقات غیر مترقبه کنار می آیند ۴- در تحقق بخشیدن به دیدگا ها و ایده های خود بسیار مصمم و قاطع هستند ۵- از اتخاذ تصمیم های جست و جوگرانه و پیش رونده لذت می برند ۶- علاوه بر کشاورزی به توسعه ی فعالیتهای دیگر نیز همت می گمارند ۷- در پی توسعه ی فعالیت اقتصادی از طریق بهبود کیفیت و توسعه ی بازار هستند. امروزه در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، کارآفرینی روستایی به عنوان راهبردی برای توسعه ی اقتصادی و اجتماعی روستاها مطرح است(رضوانی، ۱۳۸۷).

رابطه آموزش و کارآفرینی

واقعیت این است که در جهان امروز، آنچه بیش از همه دارای اهمیت است نیروی انسانی است. به طوری که اقتصاددانان معتقدند آنچه درنهایت، خصوصیت روند توسعه اقتصادی، اجتماعی یک جامعه و سازمان را تعیین می کند، منابع انسانی آن کشور است، نه سرمایه یا منابع مادی دیگر. این منابع انسانی هستند که سرمایه ها را متراکم می سازند، از منابع طبیعی، بهره برداری می کنند، سازمان های اداری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی را به وجود می آورند و توسعه را به پیش می برند. در این مرحله از تکامل اجتماعات بشری که دستاوردهای علوم و فنون، عرصه های گسترده ای از

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بستر سازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

حیات اجتماعی نوع بشر را فراگرفته است، کیفیت و میزان توانمندی علمی و تخصصی و مهارت های رفتاری نیروی انسانی هر سازمان، حتی هر جامعه، معیار اصلی داوری و شاخص عمده قابلیت آن سازمان و جامعه در پیمودن راه بغرنج و پرپیچ و خم فرآیند توسعه به حساب می آید. بنابراین آموزش و بهسازی منابع انسانی باعث منش و بصیرتی عمیق تر، دانش و معرفت بالاتر و توانایی و مهارت بیشتر نیروی انسانی در سازمان برای اجرای وظایف و مسئولیت های شغلی شده و رشد و توسعه جامعه را فراهم می آورد و باید گفت که، امروزه هیچ جامعه ای قادر نیست بدون آموزش، بهبود و توسعه یابد (جعفری، ۱۳۸۱). آموزش کارآفرینی لازمه توسعه کارآفرینی است و بر همین اساس، دولت ها باید در زمینه سیاست گذاری و اجرای برنامه های آموزشی کارآفرینی ایفای نقش کنند. این هدف عمدتاً در قالب سیاست ها و برنامه های تشویقی، ترویجی، آموزشی در کلیه سطوح و لایه های اجتماع با همکاری دولت و بخش خصوصی باید صورت پذیرد (احمدپورداریانی، ۱۳۸۰).

ناشناخته بودن مفهوم کارآفرینی برای طبقات مختلف جامعه

ظهور هر علم یا نگرش نوین، نخست از میان طبقات تحصیل کرده و نخبگان جامعه آغاز می شود. اگرچه فضای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود در جامعه و تحرکات طبقه متوسط نیز در آن تأثیرگذار است. در این مسیر، نفوذ و گسترش علم یا رویکردی جدید در میان طبقات مختلف جامعه و آشکار شدن منافع و مزایای آن نیازمند زمان است. در ارتباط با کارآفرینی نیز همین وضعیت حاکم است. در واقع، با توجه به نواقص و موانع بنیادی و ساختاری نظام اجتماعی و آموزشی کشور و از آنجا که هنوز بیش از یک دهه از ظهور نخستین مقالات آکادمیک فارسی درباره کارآفرینی نگذشته است، نمی توان انتظار داشت که این مفهوم به اندازه کافی برای گروه ها و طبقات مختلف مردم به ویژه روستاییان شناخته شده باشد. از سوی دیگر تا این شناخت به میزان کافی حاصل نشود، نمی توان شاهد گرایش به فراگیری و مهارت آموزی کارآفرینی، از سوی طبقات مختلف از جمله روستاییان بود. به بیان دیگر به قول کاوسی و چاوش باشی ناشناخته بودن مقوله کارآفرینی از موانع گسترش فرهنگ کارآفرینی در کشور است. به باور این پژوهشگران، ارزش نداشتن سرمایه در کشور، عدم امنیت، منزلت اجتماعی و وجود موانع امنیتی و اطلاعاتی از جمله موانع موجود در راه گسترش فرهنگ کارآفرینی در کشور است (کاوسی و چاوش باشی، ۱۳۸۷).

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

دوره های آموزشی کارآفرینی

بعد دیگری که از ابتدای دهه ۱۹۸۰ و همراه با افزایش تعداد دانشکده ها و موسسات آموزشی کارآفرینی مورد توجه قرار گرفت، تحقیق در خصوص آموزش کارآفرینی می باشد. آنچه در ابتدا مورد توجه محققین قرار گرفت، مناسب بودن محتوای دوره های آموزشی، مفاهیم درسی و اثر بخشی دوره ها بوده است. از سال ۱۹۸۵ همراه با افزایش تعداد دوره های آموزشی در خصوص روند کارآفرینی، روند دیگری نیز در تحقیق ابعاد آموزشی و اثر بخشی دوره ها شکل گرفت. این روند تحقیقاتی، در خصوص شناسایی افراد مناسب برای آموزش، اهداف خاص آموزش و شیوه های یادگیری و انواع محتوای درسی برای هر فرد تحت آموزش می باشد. اگر افراد تحت آموزش، اهداف، محتوا و روش های تدریس با هم هماهنگ باشند، بهتر می توان از تلاشهای آموزشی بهره برد. از سوی دیگر تلاش های زیادی برای تحقیق راجع به دوره های آموزشی و اثر بخشی آنها صورت گرفت تا میزان کارآیی و اثر بخشی دوره ها مورد ارزیابی قرار گیرد (احمدپورداریانی، ۱۳۷۸). دوره های آموزش کارآفرینی نه تنها جای خود را در بستر دروس دانشگاهی و در رشته های مختلف باز نموده، بلکه در دوره های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان نیز مورد توجه قرار گرفته است. گرچه امروزه تنوع این دوره ها، شرکت های موجود را نیز تحت پوشش قرار می دهد و دوره های متعددی جهت رشد، بقا و کارآفرین نمودن سازمانهای بزرگ طراحی شده، اما هدف اولیه از توسعه کارآفرینی همانا تربیت نمودن افراد متکی به نفس و آگاه به فرصتها و به طور کلی افرادی است که تمایل بیشتری به راه اندازی کسب و کارهای مستقل دارند (کاتن، ۱۹۹۹). در واقع هدف این بوده تا افراد در طی دوران تحصیل افرادی موسس (Enterprising) تربیت شوند. این افراد شامل پیشروان در فعالیت ها، ماجراجویان، جسوران، مبتکران، فرصت طلبان، جاه طلبان، و ارتقا جویان می باشند (گیب، ۱۹۸۷). این قبیل از دوره ها به دنبال بهبود و انگیزش گرایش های افراد همچون تمایل به استقلال، فرصت جویی، ابتکار، تمایل، مخاطره پذیری، تعهد به کار، تمایل به حل مشکلات و لذت بردن از عدم قطعیت و ابهام می باشد. به طور کلی دوره های آموزشی را می توان در چهار دسته اصلی زیر طبقه بندی نمود:

برنامه هایی برای آگاهی و بالابردن دانش کارآفرینی.

برنامه هایی برای تشویق افراد به تاسیس شرکت های نوپا و جدید.

برنامه هایی جهت رشد و بقای شرکت های کوچک.

برنامه هایی جهت اثر بخش نمودن شیوه های آموزشی کارآفرینی (احمدپورداریانی، ۱۳۷۸). تا اوایل دهه ۱۹۸۰ تنها ۱۳۰ دانشکده به طراحی دوره های محدودی در خصوص کارآفرینی پرداخته بودند و آنها را در رشته های بازرگانی و مهندسی تدریس می نمودند، در حالی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ تعداد دانشکده ها به بیش از ۵۰۰ دانشکده رسید و اکنون بیش از ۲۰۰۰ دانشگاه، کارآفرینی را به عنوان رشته و گرایشی مستقل تدریس می نمایند. آنچه که در تدریس دوره های

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

کارآفرینی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، کارآفرینانه بودن شیوه های تدریس، ترکیب افراد و اهداف آموزشی و تطبیق و همسویی این موارد با یکدیگر می باشد (احمدپورداریانی، ۱۳۷۸).

نتیجه گیری

همان گونه که گذشت مبنای توسعه کشور ها، توسعه انسانی با رویکردی پایدار می باشد و اشتغال به عنوان یکی از شاخص های موثر در توسعه انسانی مطرح است. افزایش بیکاری به معنای نزول توسعه انسانی کشور ها بوده و کاهش توسعه انسانی به معنای عدم پایداری توسعه قلمداد می گردد. کار و کارآفرینی مهم ترین مساله ای اجتماعی و فرآیندی انسانی و اجتماعی است که با دگرگونی های اقتصادی- اجتماعی پیوند محکمی دارد. بر این اساس، اهمیت و ضرورت افراد کارآفرین در جامعه مشخص می شود. از این رو، آموزش و تربیت کارآفرین یک ضرورت زیربنایی برای توسعه ای کشور و کاهش نرخ بیکاری در مناطق روستایی است. در این راستا ضرورت دارد مراکز ویژه ای را در جهت حمایت از کارآفرینان بالقوه روستایی تاسیس کرد که ضمن آموزش های ویژه برای توسعه، مباحثی همچون توانایی ها و انگیزش افراد را نیز در برگیرد. کارآفرینی روستایی موجب ورود و توسعه تکنولوژی های جدید به مناطق روستایی شده و روستاییان را برای دیدن آموزش ها و افزایش دانش و آگاهی و همچنین سطح مهارت ها ترغیب کرده و زمینه های مشارکت روستاییان را افزایش می دهد. کارآفرینی روستایی با ایجاد تنوع در اقتصاد روستاها، زمینه را برای فعالیت های غیر کشاورزی (گردشگری، صنعت خصوصا صنایع کوچک و متوسط، فراورده های تبدیلی و فعالیت های متنوع خدماتی)، فراهم می آورد که این امر باعث افزایش اشتغال و کاهش بیکاری خصوصا در میان (دانش آموختگان، زنان و جوانان روستایی) شده و از مهاجرت های روستا- شهری نیز تا حد زیادی کاسته می شود. کارآفرینی می تواند مشکل کمبود سرمایه گذاری در محیط های روستایی را از طریق نوآوری و ایجاد فرصت های جدید شغلی، و با جذب سرمایه های بخش خصوصی و موسسات مالی دولتی و خصوصی برطرف نماید. در واقع می توان نتیجه گرفت که: کارآفرینی روستایی، موجب ایجاد اشتغال، تثبیت جمعیت، بهره برداری بهینه از منابع طبیعی تجدید شونده و حفظ محیط زیست، ورود فعال اقتصاد روستایی در اقتصاد ملی و بین المللی، افزایش تولید و انباشت سرمایه، افزایش خود آگاهی، کاهش فقر، افزایش سطح استانداردهای زندگی و ... در روستاها می گردد. در نتیجه کارآفرینی می تواند بعنوان یک استراتژی و راهبرد در جهت رسیدن به توسعه در برنامه ریزی های توسعه روستایی مطرح باشد (آخوندی و هاشمی، ۱۳۹۱). هر چه اصول و معیارهای کارآفرینی در یک جامعه نهادینه تر

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین): ارزش آفرین و ثروت آفرین

باشد، توانایی آن جامعه برای تربیت و جذب کارآفرینان، سرمایه ها، مغزها و نوآوری ها بیشتر، و در نتیجه شتاب رشد اقتصادی و اشتغال و امنیت اجتماعی برای شهروندان افزون تر خواهد شد.

پیشنهادها

از آنجا که رابطه مستقیمی بین فعالیت های کارآفرینانه و رشد اقتصادی وجود دارد. لذا روستاها نیز همچون سایر جوامع و مناطق برای رشد و توسعه اقتصادی شان نیازمند کارآفرینان و فرایند کارآفرینی هستند. کارآفرینی روستایی می تواند با شناسایی منابع موجود و پتانسیل های بالقوه در محیط های روستایی و همچنین با نوآوری و خلاقیت، زمینه را برای استفاده بهینه از تمامی منابع فراهم آورد که این امر نیز باعث افزایش بهره وری، افزایش تولید، افزایش سرمایه و کاهش فقر و بالا رفتن سطح استاندارد زندگی روستاییان می گردد. با توجه به مباحث بالا برای نیل به اهداف آموزش کارآفرینی و توسعه پایدار روستایی توجه به پیشنهادهای زیر ضروری به نظر می رسد.

با ارایه آموزش هایی در زمینه کارآفرینی در مناطق روستایی به رشد هر چه بیشتر فرهنگ کارآفرینی در جامعه کمک شود. زیرا هرچند در گذشته افرادی می توانستند حتی در محیط های روستایی بدون گذراندن دوره های آموزش عمومی و خاص و صرفاً با تأکید بر دانش بومی موجود در این نواحی، کارآفرینی داشته باشند، ولی امروزه از یک طرف با از بین رفتن این دانش در روستاها و از طرف دیگر متفاوت بودن زمینه های کارآفرینی در شرایط امروزی با گذشته، ضرورت آموزش مهارت های مرتبط با کارآفرینی را اجتناب ناپذیر می کند.

کارآفرینی را به عنوان یک راهکار و استراتژی برای توسعه روستایی بدانیم و آن را در برنامه ریزی های توسعه روستایی مد نظر قرار دهیم.

آماده سازی محیط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نواحی روستایی از جمله تأمین و افزایش دسترسی روستاییان به امکانات و خدمات مختلف مانند امکانات رسانه ای و ارتباطی نوین می تواند در بروز کارآفرینی بسیار مهم باشد.

با ارایه مشوق هایی متناسب با سطح تحصیلات، وضعیت شغلی و ویژگی های روان شناختی افراد در مناطق روستایی، در ازای هر گونه خلاقیت و کارآفرینی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب بهبود وظایف شغلی و افزایش کارایی در انجام فعالیت های محول شده می گردد، شرایط را برای یادگیری مهارت ها و شایستگی های کارآفرینی به صورت خود هدایت شده، فراهم نمایند.

ایجاد موسسات و دفاتر خدمات مشاوره کارآفرینی برای ارائه مشاوره به روستاییان و کارآفرینان در محیط های

روستایی.

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین): آموزش آفرین و ثروت آفرین

اطلاع رسانی کافی از طریق رسانه ها و انتشار کتابچه هایی در زمینه حمایت هایی که از کارآفرینان به عمل می آید، صورت گیرد.

برگزاری سمینارها و کارگاه های آموزشی در زمینه کارآفرینی و ترویج فرهنگ کارآفرینی.
تشویق و ترغیب دانشجویان و فارغ التحصیلان روستایی در راستای ایجاد کارآفرینی و آموزش آن به سایرین.
دولت به منظور گسترش روحیه کارآفرینی در جامعه، حمایت های قانونی و مؤسسه ای را از فعالیت های کارآفرینانه گسترش دهد (نوراله نوری و نندی و میردامادی، ۱۳۸۹).

منابع و مأخذ

- احمد پور داریانی، محمود و مقیمی، سید محمد (۱۳۸۵)، **مبانی کارآفرینی**، تهران: نشر فرا اندیش.
- احمد پور داریانی، محمود (۱۳۸۳)، **کارآفرینی**، تهران، پردیس، چاپ پنجم.
- احمد پور داریانی، محمود (۱۳۸۲)، **آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه ها را تغییر می دهد؟**، فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی رهیافت، شماره ۲۹.
- احمد پور داریانی، محمود (۱۳۸۳)، **کارآفرینی یک دقیقه ای: در هزار نکته کارآفرینانه**، انتشارات محراب قلم.
- آخوندی، احمد؛ هاشمی، سید سعید (۱۳۹۱)، **کارآفرینی، ضرورت استراتژیک توسعه پایدار روستایی**، اولین همایش ملی توسعه پایدار در مناطق خشک و نیمه خشک، ابرکوه: ایران.
- بری، جی (۱۳۸۰)، **محیط زیست و نظریه اجتماعی**، حسن پویان و نیره توکلی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- بدری، سید علی و مهدی طاهرخانی (۱۳۸۷)، **مقدمه ای بر توسعه پایدار روستایی**، تهران: انتشارات سازمان شهرداری-ها و دهیاری های کشور.
- پاسبان، فاطمه (۱۳۸۳)، **نقش زنان کارآفرین در توسعه روستایی کشورهای در حال توسعه**؛ مجموعه مقالات گنگره توسعه روستایی.
- پالمر، جی. ای (۱۳۸۲)، **آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم**، ترجمه علی محمد خورشید دوست، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- پورداریانی، احمد (۱۳۷۸)، **کارآفرینی؛ تعاریف، مفاهیم، الگوها**، انتشارات شرکت پردیس تهران، چاپ ششم.

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین) : آموزش آفرین و ثروت آفرین

تی، پترین (۱۳۸۱)، کارآفرینی به منزله یک نیروی اقتصادی در توسعه روستایی، حمیدرضا زرنگار، نشریه جهاد، سال ۲۲، شماره ۲۵۳.

چالش ها و چشم اندازها؛ تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، صص ۲۸.
دفتر توسعه کارآفرینی کشور، نقشه توسعه کارآفرینی کشور، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت سرمایه انسانی و توسعه اشتغال.

ذبیحی، محمدرضا و مقدسی، علیرضا (۱۳۸۵)، کارآفرینی از تئوری تا عمل، مشهد: نشر جهان فردا.
رضوانی، محمدرضا. نجارزاده، محمد (۱۳۸۷)، بررسی و تحلیل زمینه های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه ی نواحی روستایی، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم.

رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و آقایی هیر (۱۳۸۶)، سطح بندی پایداری توسعه روستایی، مطالعه موردی بخش هیر، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص ۴۴-۳۱.

رفیعی، کامبیز و لطفی، حیدر (۱۳۸۹)، آموزش شهروندی و نقش آن در تحقق و دستیابی به توسعه پایدار شهری مطالعه موردی: منطقه ۵ شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره چهارم.
زالی، محمدرضا؛ رضوی، سید مصطفی (۱۳۸۷)، پژوهشی درزمینه: موانع توسعه کارآفرینی در ایران، دانشگاه تهران، دانشکده کارآفرینی، تهران، چاپ اول.

سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۲)، آشنایی با کارآفرینی، نشر سپاس، تهران.
شاه حسینی. علی (۱۳۸۳)، کارآفرینی، تهران: انتشارات نشر آبیژ.
شفیعی، مسعود؛ نعمتی، محمد علی (۱۳۸۹)، نظام ملی نوآوری با رویکرد توسعه فرهنگ کارآفرینی، نشریه صنعت و دانشگاه، سال دوم، شماره ۹ و ۱۰.

صمد آقایی، جلیل (۱۳۸۰)، کارآفرینی ضد اشتغال، موتور توسعه اقتصادی، مجله تدبیر، شماره ۱۱۴.
فیض، داود (۱۳۸۶)، روش های تدریس کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشور، مجموعه مقالات همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی، انتشارات دانشگاه سمنان.

فیروزنیا، قدیر و عبدالرضا رکن الدین افتخاری (۱۳۸۲)، جایگاه روستا در فرایند توسعه ی ملی، تهران. موسسه توسعه روستایی ایران.

کردنائیچ، اسدالله. احمدپورداریانی، محمود و جلیل دلخواه (۱۳۸۶)، طراحی شرایط احراز صلاحیت متقاضیان ایجاد و توسعه مراکز و آموزشگاه های کارآفرینی در کشور، دو ماهنامه علمی - پژوهشی، دانشگاه شاهد: سال چهاردهم، دوره جدید، شماره ۲۳.

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراکز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵)، آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان، فصلنامه نوآوری های آموزشی. شماره ۵ صص ۴۴-۱۱.

محرم نژاد، ناصر. حیدری، عمران (۱۳۸۵)، نظام نامه جامع آموزش و مشارکتهای شهروندی شهرداری تهران: فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره ۲۸، ص ۶۸.

محمد داودی، امیر حسین (۱۳۸۵)، کارآفرینی روستایی در امریکا، اندیشگاه .
مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۷)، دانشنامه جامع مدیریت شهری و روستایی، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

مرکز مطالعات و خدمات تخصصی شهری و روستایی (۱۳۸۵)، محیط زیست روستا، از سری متون آموزشی ویژه دهیاران (مدیریت مواد زائد فضای سبز و روستا)، مرکز مطالعات و خدمات تخصصی شهری و روستایی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

نصیری، حسین (۱۳۸۴)، توسعه و توسعه پایدار چشم انداز جهان سوم، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران
نوراله نوری وندی، آزاده و میردامادی، سید مهدی (۱۳۸۹)، شناسایی عوامل بهبوددهنده تمایل به کارآفرینی کارشناسان ترویج کشاورزی استان خوزستان، مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال سوم، شماره ۳.

کنفرانس ملی

کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان

با چشم اندازی بر مراز سه گانه کار آفرینی، رشد و بارک های علم و فناوری، ارتباط بین دانشگاه ها و صنعت (جامعه)
بعنوان بسترسازان دانشگاه های نسل سوم (کار آفرین) : ارزش آفرین و ثروت آفرین

- Inskip, E., (1991). Tourism planning: An Integrated and Sustainable Development Approach, New York: Van Nostrand Reinhold.
- Chrisman, J.J., Steier, L.P., and Chua, J.H, 2006. Personalism, particularism, and the competitive behaviors Oxford: Blackwell, 120-122.
- Drunker, P (1998). "The Discipline of Innovation" Harvard Business Review, May June, PP 67.
- Growing and Financing Rural Entrepreneurs- A Conference Summary; www.kc.frb.org.
- Hisrich R. & C. Brush (1998), The woman entrepreneur: Management Skill and business problems, Journal of small Business Managemant, 22:30-37.
- Holcombe, R.G; "entrepreneurship and economic growth", The quarterly journal of Austrian economics, No. 2, vol. 1, p.p. 45-62, 1998.
- Mark Drabenstoot, Nancy Novack, and Bridget Abraham;(2003), Main Streets of Tomorrow:
- McClelland, D. (1963). Business Drive and National Achievement. Harvard Business Review, No.40, p. 89.
- Warts, K., 2005, A Guide to Human Capital Theory, Retrieved from Human Capital
- Ryle, G. (1963), the Concept of the Mind, Penguin, Harmondsworth.
- Santarelli, E. and Vivarelli, M. , Entrepreneurship and the Process of Firms' Entry, Survival and Growth, Ind. Corp. Change, 2007.
- Tang ,H. K. & K. T. Yeo (1995), Technology, entrepreneurship and national development: Lesson from Singapore, International Journal of Technology Management, 10(7):797-810.
- Tyebjee, T. & L. Vickery (1998), Venture capital in western Europe Journal of Business Venturing, 3(2):123-136.